

شاهنامهٔ امیر بهادری یا شاهنامهٔ مظفری

جمشید کیان فر^۱

چکیده: به دنبال چاپ‌های متعدد از شاهنامه فردوسی، دولت ایران به صرافت چاپ نسخه‌ای از شاهنامه می‌افتد که مصادف با کوران و حوادث سیاسی عصر مشروطیت و استبداد صغیر است، بالاخره امر چاپ شاهنامه به پایان می‌رسد و خود پس از اتمام چاپ، مشکلی برای دولت ایران و وزارت خارجه پیش می‌آورد که پس از برطرف شدن از طریق مذاکره حضوری و ارائه سند و مدرک، در پایان کتاب چاپ سنگی شاهنامه از طرف دولت ایران توزیع می‌شود.

نسخه‌های خطی شاهنامهٔ فردوسی که در کتابخانه‌های دنیا نگهداری می‌شود، غالباً حاوی نگاره‌ها و مینیاتورهای رنگین و چشم‌نواز است و این نه تنها به جهت مزین و متنقش کردن نسخه‌های خطی بوده؛ بلکه ملموس بودن افسانه‌های پهلوانی شاهنامه نیز به هنرمندان نگارگران این امکان را می‌داده است که در این جولانگاه به هنرنمایی بپردازند. اما از آن زمان که صنعت چاپ به خدمت اهل قلم و فرهنگ در آمد، به علت محدود بودن امکانات برای چاپ رنگین، خدمتگزاران چاپ درصدد برآمدند تا تصاویر رزم‌ها و یزم‌های شاهنامه را به شیوه یک رنگ و سیاه قلم به چاپ برسانند و گاه پس از چاپ یک رنگ اقدام به تذهیب آن نمودند.

مقایسهٔ این نگاره‌ها ضمن نشان دادن سیر نقاشی چاپ سنگی، بیانگر این امر نیز هست که این نگاره‌ها در کل دنباله‌رو الگوهای اصلی مینیاتورهای نسخه‌های خطی هستند. نخستین چاپ شاهنامه در ۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱م توسط لامسدن^۲ در شهر کلکته با قطع وزیری و

۱. کارشناس ارشد تاریخ و مسئول احیاء میراث مکتوب در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

2. Mathew Lumsden

چاپ سربسی (۴+۴۰+۵۴۷+۱۳۱ ص) که فقط شامل جلد اول شاهنامه بود به زیور چاپ آراسته شد و هیچ‌گاه مجلدات دیگر آن به چاپ نرسید.

هجده سال بعد (۵-۱۲۴۴ق/ ۱۸۲۹م) متن دیگری از شاهنامه، اما این بار به طور کامل در چهار مجلد به زیور طبع آراسته شد که به قول مصحح آن "به سعی و اهتمام کمترین بندگان آن بی‌نشان و لامکان، کپتان ترتر مکان^۱ به نسخ متعدد قدیم و معتبر مقابله و تصحیح یافته ... این چاپ هم در کلکته "به قالب طبع درآمد" و از معتبرترین چاپ‌های شاهنامه بود که مورد استفاده محققان و شاهنامه‌شناسان قرار گرفت.

پس از چاپ ترتر مکان، چاپ نفیس و ارزنده‌ای از شاهنامه در پاریس به تصحیح و ترجمه ژول موهل^۲ فرانسوی در قطع سلطانی و آن‌هم در هفت مجلد به چاپ رسید. این چاپ یکی از زیباترین و نیز معتبرترین چاپ‌های شاهنامه است که به دستور پادشاه فرانسه لوئی فیلیپ طبع شد و مزیت دیگر آن ترجمه فرانسه هر صفحه است که با متن فارسی همراه بود و همین چاپ است که با حذف متن فرانسوی آن نخست به صورت قطع پالتویی و سپس در قطع‌های وزیری و رقیعی در ایران به چاپ رسید.

سه چاپ یاد شده جملگی در خارج از ایران صورت گرفته بود؛ ولی چاپ شاهنامه در ایران از ۷-۱۲۶۵ق/ ۵۰-۱۸۴۸م شروع می‌شود که در آن تاریخ متن شاهنامه در قطع رحلی و با چاپ سنگی در ۵۹۵ ورق یعنی ۱۱۹۰ صفحه صورت گرفت و مقارن همین چاپ در ایران چاپ دیگری از شاهنامه در بندر بمبئی به همت تنی چند از ایرانیان به حلیه طبع آراسته شد و پس از آن چاپ شاهنامه چه در ایران و چه در خارج از ایران رواج کامل یافت که از آن میان چاپ‌های اولیاء سمیع، وولرس^۳، فرصت شیرازی، امیربهداری، رضائی، سیف‌آزاد، بروخیم، دبیرسیاقی، برتلس، بایسنگری و... از اهمیت خاصی برخوردارند.

آنچه از چاپ‌های شاهنامه در ایران و یا در خارج از ایران، به‌ویژه در هندوستان صورت گرفت، عمدتاً به سرمایه و تشویق ایرانیان بود. از میان چاپ‌های یاد شده، چاپ امیربهداری سرنوشت ویژه‌ای دارد که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، به دستور وی اقدام به چاپ شاهنامه در تهران شد که هزینه آن را شاه ایران به مبلغ ۵۰۰۰ تومان پرداخت و مشخصات کتابشناختی آن به شرح زیر است:
شاهنامه، با مقدمه محمد صادق ادیب‌الممالک فراهانی به دستور امیربهدار و خط عمادالکتاب. چاپ تهران ۲۶-۱۳۲۲ق. قطع سلطانی (۳۲×۴۲ س.م) مصور:

۴۲ تصویر که سه تصویر آن (محمدعلی شاه، مظفرالدین شاه و امیربهادر جنگ) رقم مصورالملک را دارد. چاپ مورد نظر سنگی بود و در ۲ مجلد: (جلد اول در ۷+۱۲+۱۷۲+۱۲۳ صفحه و جلد دوم در ۱۵۴+۱۳۲+۵۵+۱۸ صفحه) انتشار یافت که هر صفحه در ۶ ستون و به عبارت دیگر هر سطر از کتاب سه بیت شعر یعنی ۶ مصرع را در برداشت.

کتاب در چهار جلد خوشنویسی شده و در پایان هر جلد دست‌اندرکاران و تاریخ خوشنویسی به سیاق انشای دیوانی آن عهد به شرح زیر آمده است:

پایان جلد اول "فرمان تیمسار شهریار تاجدار ایرانیان پناه شاه شاهان و خسرو خسروان مظفرالدین شاه که زمان دولتش پاینده و جاوید باد و بسرپرستی شت خدیو ارجمند فرهمند دانشمند حسین پاشاخان امیربهادر جنگ مهین سردار و کشیکچی باشی و سرکاری ستوده جایگاه علی خان سرتیپ ارشدالدوله و برسیدگی شت مؤید شیم عبدالعلی [بیدگلی] کاشانی بنگارش خانه‌زاد درگاه کیوان خرگاه محمدحسین عمادالکتاب قزوینی نخستین لخت شاهنامه در پادشاه‌نشین تهران در چاپخانه سلالة السادات آقا سید مرتضی انجام رسید. سالمه دیماه جلالی مطابق هزار و سیصد و نوزده هجری".

پایان جلد دوم با اندک جرح و تعدیل "... دومین لخت شاهنامه سالمه مرداد ماه جلالی، ۱۲۷۱ یزدگردی برابر چهاردهم ماه ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری در تافتخانه پر هنریشه آقا سید مرتضی و به دستگیری آقا میرزا عباس در تهران بچاپ رسید".

پایان جلد سوم ایضاً "... سیمین لخت شاهنامه فردوسی بفرخی انجامید ... و تافتگری استاد هنرمند آقا سید مرتضی، کلک عمادالکتاب ۱۳۲۱".

پایان جلد چهارم "... به فرمان چاکران فره‌مند... تیمسار حسین پاشاخان امیر بهادر جنگ مهین سردار و وزیر دربار اعظم ... و سرکاری هنرور... علیخان ارشدالدوله ... و کوشش و غلظت‌گیری [کذا]... شت مؤید پاریسی نژادشیم عبدالعلی بیدگلی... در تافتخانه آقا سیدمرتضی به دستگیری آقا میرزا عباس [درهامش: عباس از سربازان قدیم گارد نصرت است] به کلک من بنده محمدحسین عمادالکتاب بسالمه آدینه بیست و ششم صفرالمظفر در سال یکهزار و سیصد و بیست دو هجری در هشتصد و بیست و شش جلالی»

شیوه چاپ سنگی شاهنامه بدین صورت بود که نخست خوشنویس، شروع به نگارش می‌کرد و به اقتضای مضمون داستان شاهنامه در لابلای نوشته‌ها، جای تصویر را خالی می‌گذاشت، پس از آن برای تصحیح به نزد مصحح می‌رفت و پس از اصلاحات لازم و بازنویسی مجدد - در صورت لزوم - برای کشیدن تصویر نزد رسام فرستاده می‌شد. آنگاه برای چاپ به باسمه‌خانه (چاپخانه) یعنی قدم اول لیتوگرافی (تهیه سنگ چاپ) و پس از آن چاپ اوراق کتاب و بالاخره صحافی مجلدات.

گاه چنان اتفاق می‌افتاد که میان تاریخ خوشنویسی نسخه و پایان چاپ چند سالی وقفه می‌افتاد و از این رو در برخی از نسخ چاپ سنگی دو تاریخ یعنی خوشنویسی و تاریخ اتمام چاپ ملاحظه می‌شود.

همین مسئله درباره چاپ شاهنامه مورد نظر نیز صادق است، چه خوشنویسی هر بخش از کتاب تاریخ‌های جداگانه (جلد ۱: ۱۳۱۹ ق؛ ج ۲: ۱۳۲۰؛ ج ۳: ۱۳۲۱؛ ج ۴: ۱۳۲۲؛ دیباچه: ۱۳۲۲؛ شرح حال فردوسی: ۱۳۲۶ و شرح حال سلطان محمود: ۱۳۲۱) نگاشته شده است.

تاریخ ۱۳۲۶ ق که در ذیل شرح حال فردوسی آمده، بیانگر آن است که امر چاپ تا آن تاریخ به طول انجامیده، مضاف بر آن که مقدمه گونه‌ای هم در دو صفحه در سلطنت محمدعلی شاه وجود دارد... اما هنوز برگی دو سه بیش یا کم از آن نامه خسروانی بر جای نمانده بود که خسرو خاکیان... یعنی مظفرالدین شاه "پا از دایره هستی بیرون نهاد" و تا ایام "خجسته فرجام که ماه هفتم از سال دوم جلوس... محمدعلی شاه" امیربهداد بار دیگر مأمور پی‌گیری چاپ کتاب می‌شود و "در این کژت سه‌سالار... جناب جلالتماب اجل میرزا اسمعیل خان عمادالممالک تفرشی دیوان اعلی... و "صاحب‌دل فرزانه کاردان جناب میرزا محمود تاجر خونساری و..." را برای "تلفیق اوراق و مباشرت طبع" برگزید.

با در نظر گرفتن مرگ مظفرالدین شاه (۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴/۱۹۰۶م) و جلوس محمدعلی - میرزا بر اینکه سلطنت که در تهران بود، پس "ماه هفتم از سال دوم" سلطنت مصادف با جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ ق است که امر چاپ کتاب بار دیگر پی‌گیری می‌شود و از این رو تاریخ ۱۳۲۶ ق در پایان شرح حال فردوسی خود تأییدی دیگر است.

برابر اسناد پیوست، مظفرالدین شاه مبلغ ۵۰۰۰ تومان (آن روزگار) را به امیربهداد داده و او را مأمور چاپ متحقی از شاهنامه می‌کند و او نیز با دستیاری افرادی که ذکر نام آنان گذشت بدین مهم اقدام می‌کند. دست روزگار شروع چاپ کتاب را مصادف با ایام مشروطه در ایران می‌سازد که به ظاهر نمی‌بایستی حوادث سیاسی روز لطمه به چاپ کتاب وارد کند؛ ولی گویا از بد حادثه چنین می‌شود. صدور فرمان مشروطه شاید سبب تأخیر در امر چاپ می‌شود که بلافاصله با

مرگ بانی آن نیز روبه‌رو است و چاپ کتاب به عهدهٔ تعویق می‌افتد تا اینکه محمدعلی شاه امر پی‌گیری چاپ را دنبال می‌کند.

حوادث سیاسی روز بار دیگر سبب تأخیر و تعلل در امر چاپ می‌شود چه ایام سلطنت محمدعلی شاه به‌ویژه از ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ مصادف است با مبارزه ملّیون و مشروطه‌خواهان و ایستادگی محمدعلی شاه در برابر آنان که سرانجام به دورهٔ استبداد صغیر و به توپ بستن مجلس و اعدام آزادیخواهان در باغشاه می‌انجامد. با پایان یافتن دورهٔ استبداد صغیر با فتح تهران و پناهنده شدن محمدعلی شاه و حسین پاشاخان امیربهادر جنگ - یعنی متولی چاپ شاهنامه - به سفارت روس بار دیگر وقفه‌ای در امر چاپ به وجود می‌آید.

امیر بهادر به همراه محمدعلی شاه از سفارت روس در زرگنده به خارج ایران اعزام می‌شود و پس از خروج از کشور در وین پایتخت اتریش اقامت می‌کند و سفارت روس حافظ منافع او در ایران می‌شود.

از جمله نخستین اقدامات سفارت روس در تأمین منافع امیربهادر دست گذاشتن بر روی همین شاهنامه است که در ۱۳۲۸ بالاخره پس از ۱۰ سال آماده انتشار است که ناگزیر با مداخله دولت ایران و تشکیل جلسه‌ای با حضور نواب وزیر امور خارجه، نماینده سفارت روس، وکیل امیربهادر و دیگر افرادی که به نحوی در پدید آمدن شاهنامه نقشی دارند، شد. گرچه در پایان، شاهنامه که چاپ آن با مسائل سیاسی عجین شده بود - همچنان که گفته می‌شود "پایان شاهنامه خوش است" با خوشی - به دولت ایران تعلق یافت ولی پس از انتشار به شاهنامه امیربهادری شهرت یافت و چندین بار هم از طرف ناشران داخلی تجدید چاپ شده که به هیچ وجه نفاست چاپ اولیهٔ سنگی را ندارند.

مسائل شاهنامه به روایت اسناد

اسناد حاضر شامل ۶۱ سند در ۷ صفحه بشرح ذیل است:

سند اول: نامه میرزا محمود کتاب‌قروش به ادارهٔ محاکمات وزارت امور خارجه؛ سند دوم: این سند در ۲ صفحه صورت جلسه‌ای است که در حضور حسینقلی خان نواب وزیر امور خارجه تشکیل یافته؛ سند سوم: صورت هزینه چاپ سنگی شاهنامه به روایت عمادالکتاب سیفی؛ سند چهارم: صورت جلسه‌ای است که بار دیگر در حضور حسینقلی خان نواب وزیر امور خارجه تشکیل یافته و تکلیف نهائی شاهنامه را مشخص کرده است؛ سند پنجم و ششم: نامه‌های علی خان لسان‌الدوله است دربارهٔ نسخ خطی شاهنامه که امیربهادر برای تصحیح شاهنامه از کتابخانه کاخ گلستان به امانت گرفته است.

توضیح این نکته ضروری است که لسان‌الدوله صاحب جمع کتابخانه کاخ گلستان بوده که در این ایام بخاطر سرقت کتابهای کتابخانه در زندان بسر می‌برد.

۱. رقعۀ میرزا محمود کتاب فروش

تصدقت شوم البته خاطر مبارک مسبوق است که در چند سال قبل از این، کتاب شاهنامه حسب الامر مرحوم مظفرالدین شاه و به دستگیری امیربهادر جنگ بطبع رسیده، در یکسال قبل از این، جلد و صحافی آن کتابها را، امیربهادر جنگ به بنده رجوع کرد. بنده هم آن کتابها را تمام کرده تحویل ایشان دادم و چند روز قبل از این هم آن کتابها را به توسط غلام سفارت در سبز میدان حجره تاجر باشی سپرده آمد. حال چند روز است که سید مرتضی با سمجی در عدلیه عارض شده و مطالبه آن کتابها را از بنده می‌نمایند. بنده به توسط وزارت جلیله امور خارجه از امیربهادر جنگ تکلیف خواستم. غلام سفارت جواب داده‌اند که باید به اجازه جناب مستطاب آقای مشارالسلطنه مطالبی که راجع به کتاب شاهنامه است در محاکمۀ وزارت خارجه گفتگو شود، ربطی به عدلیه ندارد، خواهشمندم تکلیف بنده را معین بفرمایید زیاده عرضی نیست.

اقل محمود کتابفروش

سواد مطابق با اصل است [امضاء] حسین پاشا



وزارت مالیه

اداره

سواد

مورخه

نمره

آقای میرزا محمد تقی

صدق

تجدید مدارک مسرت که در پیش قبران کاتب

حسب امر و در مقام اولیاد و بیت و در راه مبارک بطلب رسیدن و کاتبان
 در ضمن آن کاتبان را به مبارک بطلب رسیدن و کاتبان را که کاتبان را
 در چند روز قبران ام آن کاتبان را در مقام سعادت در بر زمین بطلب رسیدن
 مالک چندند است که به بعضی از کاتبان در مقام سعادت آن کاتبان را
 بطلب رسیدن و در مقام سعادت از این مبارک بطلب رسیدن و کاتبان
 که به بعضی از کاتبان در مقام سعادت از این مبارک بطلب رسیدن و کاتبان
 در مقام سعادت از این مبارک بطلب رسیدن و کاتبان

امیر محمد تقی
 کاتبان

۲. مورخه ۲۵ صفرالمظفر ۱۳۲۸ ق نمره ۱۰۷

به تاریخ سه‌شنبه ۲۵ شهر صفر تخافوی‌ئیل ۱۳۲۸ با حضور اشخاص مفصله‌الاسامی: جناب حسینقلی نواب اوزیر امور خارجه، جناب موسیو بارنفسکی نماینده سفارت روس، جناب معتمدالحرم، جناب حاجی محمدباقرخان، جناب قوام‌التجار وکیل حسین پاشاخان، جناب میرزاحسن‌خان مستوفی، جناب عمادالکتاب (سینفی خطاط)، جناب مرآت‌الممالک مستوفی بیوتات، جناب آقاسیدمرتضی (باسمه‌چی = چاپخانه‌دار) مجلسی تشکیل یافته درباب کتابهای شاهنامه که به توسط حسین پاشاخان امیربهادر سابق در طهران طبع شده مذاکرات لازمه بعمل آمد. به موجب یک فقره قبض به مهر امیربهادر سابق حسین پاشاخان که در حاشیه به خط مرحوم مظفرالدین‌شاه دستخط شده و یک طغرا خود روزنامه که در ذیل آن شاه مرحوم صحه گذاشته مشخص و محقق گردید که پنج‌هزار تومان (همراه با سیاق) حسین پاشاخان از دولت بجهت طبع کتاب مزبوره دریافت داشته و همچنین از قرار شرحی که در صدر کتاب شاهنامه ذکر شده و در پاره (ای) نقاط دیگر کتاب هم نثراً (و) نظماً مصرح است که کتاب بر حسب امر مرحوم مظفرالدین‌شاه صورت طبع و اتمام پذیرفته و در صفحه ۱۷۲ کتاب شاهنامه صریحاً نوشته شده که حسین پاشاخان سرپرست و متصدی کتاب بوده، بدین لحاظ اولیای دولت علیه اظهار داشتند که پس از تحقیق این دو فقره مسلم است که این کتابها متعلق به دولت است و باید وکیل حسین پاشاخان کُتب را به اولیای دولت تحویل بدهد. جناب بارانسکی اظهار داشتند که رسیدن پنج‌هزار تومان پول به حسین پاشاخان صحیح ولی باید رسیدگی کرد که آیا زیاده از این مبلغ، حسین پاشاخان درباب طبع کتاب مزبور خرجی کرده است یا خیر؟ عمادالکتاب محرر کتاب مذکور که با آقا سیدمرتضی چاپ‌کننده کتاب حضور داشتند، به موجب صورتی مدعی شدند که ما اطلاع داریم که زیاده از دو هزار و هشتصد و پنجاه تومان و کسری خرج نکرده‌اند. جناب نواب مذکور داشتند که من عجالاً درباب این اظهار عمادالکتاب مذاکره نمی‌کنم. فقط حرف دولت علیه ایران این است که به موجب

قبض حسین پاشاخان و شرح دیباچه کتاب که هر دو این فقره مصرح بر این است که کتاب بر حسب امر شاه مرحوم طبع شده و خرجش را هم دولت داده است، در این صورت باید کتابها را تحویل اولیای دولت علیه ایران بدهند، قوام‌التجار وکیل حسین پاشاخان اظهار داشت که البته خرج این کتاب سند و صورت دارد و شنیده‌ام می‌گویند تخمیناً بیست و هشت هزار تومان خرج این کتاب شده، باید اسناد و نوشتجات حسین پاشاخان ابراز شود، لهذا جناب موسیو بارنسکی اظهار داشتند که بهتر این است از امروز تا ده روز دیگر مهلت قرار داده شود چنانچه در ظرف این مدت وکیل حسین پاشاخان اسناد صحیح ارائه داد که بیشتر از این خرج طبع کتاب شده مجدداً رسیدگی شود و اگر اسناد در ایران نبود وکیل مشارالیه محتاج به این بود که اسناد را از وینه از خود حسین پاشاخان بخواهد باید تلگرافاً به حسین پاشاخان اطلاع بدهد که اسناد را به ایران بفرستد، ولی باید جواب تلگراف حسین پاشاخان را در ظرف این مدت ده روز آمده به توسط سفارت روس ارائه بدهد که حاکی از فرستادن اسناد باشد و در این صورت مدت مهلت برای این کار از تاریخ امروز بیست و پنج روز خواهد شد که اسناد از وینه رسیده ارائه و رسیدگی بشود و چنانچه از حالا تا مدت بیست و پنج روز دیگر اسناد و نوشتجاتی که در باب طبع کتاب از اشخاص که متصدی طبع این کتاب بوده‌اند، نیاورند و در ظرف این مدت ارائه ندهند، رأس بیست و پنج روز باید کتابهای شاهنامه را تماماً تحویل اولیای دولت بدهند.

نواب حسینیقلی، مهر امضای بارنسکی نماینده سفارت، موسی
مرات‌الممالک، محل امضی و مهر مرتضی‌الحسینی، امضی محمد
حسن، محل امضی اقل‌الحاج محمد باقرین علی‌نقی، محمد حسین
عمادالکتاب محل مهر عمادالکتاب، امضای عمادبیک قوام‌التجار
شیرواتی، احمدالحسین معتمدالحرم

سواد مطابق با اصل است حسین پاشا



وزارت مالیه

اعداد
مواد
مورخه
نمبره

فرخشا امام حرات مذهب بصورت بیرون بدارگه میرادیر حرات میرادیر بیرون
 قوام تهر و کوه کوه حسن با فانی اعجاز حرات که این فرخ این کتاب سنه حضرت ولادت
 و نشیبه ام میگویند محبت بست و شهر در آن فرخ این کتاب سنه با میرادیر حرات
 حسن با فانی اعجاز حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات از میرادیر
 روز در مذهب در آن فرخ حرات و کوه کوه حسن با فانی اعجاز حرات
 در شهر این فرخ طبع کتاب شده مجرب در کوه کوه حرات که این کتاب سنه با میرادیر
 صحیح این کوه کوه حرات از میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 اطلاع به میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 اینست ده روز از کوه کوه حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 است مذهب در آن فرخ حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 از کوه کوه حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 بهمانند شیوه در آن فرخ حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 تا آن کوه کوه حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات

میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات
 میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات که این کتاب سنه با میرادیر حرات

۳. صورت مخارجی که برای کتاب شاهنامه شده است

۲۸۵۰ تومان^۱

از بابت اجرت کتابت کتاب شاهنامه به عمادالکتاب داده‌اند؛ ۷۰۰ تومان
به جناب آقا سیدمرتضی برای طبع کتاب شاهنامه داده‌اند؛ ۱۵۰۰ تومان
کاغذ از حاجی محمدحسین کاغذفروش خریده‌اند ۱۸۰۰ بند؛ بندی ۱۵
قران [جمع] ۲۵۲ تومان

به آقا میرزا علی‌خان نقاشباشی از بابت چهل صفحه صورت داده‌اند؛
۳۰۰ تومان

در ابتدای کار کاغذ خریده است ۱۸ بند؛ بندی ۱۵ قران [جمع] ۲۷ تومان
به مؤبد شیخ عبدالعلی از بابت تصحیح کتاب داده‌اند؛ ۶۰ تومان
آقا میرزا شکرالله مذهب از بابت تذهیب؛ ۱۵ تومان

صورتی است که جناب عمادالکتاب در باب طبع کتاب شاهنامه داده‌اند

سواد مطابق با اصل است حسین پاشا

سواد مطابق با صورتی است که عمادالکتاب داده است



وزارت امور خارجه

اداره

سواد

مورخه

نمره

صورت مذکور بر کتاب بنامه شریعت

این است

از کتابت این کتابت بنامه شریعت که در سال ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز
کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز
کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز

در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز

کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز

کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز
کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز
کتابت شده است و در شهر تبریز در روز ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ خورشیدی در شهر تبریز

۴. مورخه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸

به موجب صورت مجلس مورخه سه‌شنبه ۲۵ شهر صفر ۱۳۲۸ قرار شده بود که در مدت معین وکیل حسین پاشاخان اسناد مخارج طبع کتب شاهنامه را ارائه بدهد. چون امروز که روز پنج‌شنبه ۱۷ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ است و مدت معهود منقضی شده بود وکیل حسین پاشاخان با حضور جناب مسیو یارنفسکی حاضر شده اظهار داشت که اسناد و نوشتجات من کامل نیست، لهذا قرار داده شد که کتب شاهنامه را تحویل اولیای دولت علیه بدهد.

محل امضی و مهر نواب حسینقلی، محل امضی یارانفسک، امضی موسی مرآت‌الممالک و مهر ایضاً، اقل‌الحاج محمد باقر بن علیتقی، عمادالکتاب، مصطفی‌اوف

سواد مطابق با اصل است

حسین پاشا



وزارت امور خارجه

اداره

- واد

مورخه ۱۷ ریح ۱۳۲۸
نمره

برجب صورت بمس روه سر سبه ۲۵ شرفه ۱۳۲۸ در آرشه بود در
دیکرین پاشان پهلوان طبع کت شایه سر را روانه بهر چون اردو در
شرفه ۱۳۲۸ درت سهو شرفه نو دیکرین پاشان صفر خراب بود در
مفرش اظهارت ه پهلوان شرفه کما شرفه آرشه کت شایه

تجیر اول بر سر سبه ۶۸
مهر امیربهادر
امیربهادر
عادل
صغیر
در آرشه کت شایه
۱۳۲۸

۵. بشرف عرض هیئت محترمه می‌رساند در موقعی که امیربهادر فردوسی چاپ می‌کرده، از کتابخانه، فردوسی خطی امانت گرفته. درست در نظر ندارم که قبض او را رد کرده‌ام یا عین کتاب را گرفته‌ام تا فردا محل و تفصیل آن را کاملاً به عرض می‌رسانم. یعنی محتاج است اسناد کتابخانه را بیارند تا از روی حقیقت عرض نمایم.

ایام عزت مستدام باد
سواد مطابق با اصل است حسین پاشا
کپی سواد کاغذ لسان‌الدوله باشد

۶. در موقع چاپ کردن فردوسی بنده به امیربهادر دو فردوسی داده‌ام یکی قطع بزرگ اعلی صورتی یکی کوچک خطی و هر دو را پس گرفته‌ام. گویا صورت قبضی که از امیربهادر گرفته‌ام یا ثبتی که خودم برداشته‌ام در لف نوشتجات بنده باید باشد که انشاءالله بعد از استخلاص و در موقع بازدید کتابخانه بنظر مبارک می‌رسانم.

ایام عزت مستدام باد
سواد مطابق با اصل است حسین پاشا



وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

بزرگوار حضرت محترم میرزا
در قمره بهیلا در قمره
از کتابخانه قمره محلی ایالت کفایت در نظرنامه قصبه اردو در کعبه
کتاب را کفره تا فردا میرزا نصیر از اکامه بر حضرت میرزا بنویسند

بزرگوار میرزا را بهیلا تا از در حقیقت حضرت نام با عزت برآورد
از کاتب عالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



وزارت مالیه

اداره

سواد

مورخه

نمره

در شرح باب کون ذمه منبیه بر بهادر زنده سرالها که در کتاب
یا در باب خطره بره در بهر اوقات که صورت قبضه در زنده بهار رفته
بر داشته اند و دفع وقتت نیز بدین معنی و ۱۹۰۰ عدد کتب در شرح باب کون
بنظر مبارک بر نام پیام فوت سما هم برادر علی بی بی، المیرزا
پرتال جامع علوم انسانی

نکات جالب توجه در اسناد

۱. تمامی اسناد به رویت حسین پاشاخان امیربهادر جنگ رسیده و رقم "سواد مطابق با اصل است حسین پاشا" را در بردارد که حکایت از تأیید اسناد از طرف امیربهادر است، در حالی که بنا به صراحت اسناد، حسین پاشا در "وینه" به سر می‌برد.
۲. حدّ فاصل تهیه مدارک با توجه به ارسال نامه به شهر وین و برگشت و زمان دعوی که قریب به یک ماه بوده و در زمان مقرر اسناد فاصله بین تهران و وین - رفت و برگشت - را آن هم در یک ماه طی کرده و مسئله نیز سر موعد منقضی گشته است.
۳. هزینه چاپ کتاب شامل: اجرت کتابت ۷۰۰ تومان؛ اجرت طبع (تهیه سنگ، چاپ و صحافی): ۱۵۰۰ تومان؛ بهای کاغذ به میزان ۱۹۸ بند (۱۸ بند برای خوشنویسی و ۱۸۰ بند برای چاپ): ۲۹۹ تومان؛ اجرت نقاشی: ۳۰۰ تومان؛ اجرت تصحیح: ۶۰ تومان؛ اجرت تذهیب: ۱۵ تومان و جمع هزینه ۲۸۵۰ تومان بوده در مقایسه با هزینه‌های چاپ در زمان حاضر (به استثنای هزینه کتابت؛ تصحیح؛ تذهیب و نقاشی) شامل: کاغذ ۱.۵۰۰.۰۰۰ تومان برای ۱۹۸ بند در مقابل ۲۹۹ تومان؛ لیتوگرافی ۱.۰۰۰.۰۰۰ تومان؛ چاپ ۵۰۰.۰۰۰ تومان؛ صحافی ۷۰۰.۰۰۰ تومان جمع ۲.۲۰۰.۰۰۰ تومان در مقابل هزینه طبع (تهیه سنگ، چاپ و صحافی) ۱.۵۰۰ تومان قابل توجه است، چنانچه کتاب به طریقه اقساط از روی متن چاپ قبلی به همان تیراژ چاپ و منتشر شود، هزینه تمام شده یک جلد نزدیک به ۳۷۰۰ تومان می‌شود که ۶۵۰ تومان بیش از تمامی هزینه‌های صرف شده برای چاپ اثر در ۱۳۲۰-۱۳۲۸ ه.ق. است.
۴. شیوه تدوین و چاپ کتاب بر آن بوده که از نسخ خطی خوب و نفیس برای خوشنویسی و تصحیح بهره می‌بردند، و این امر نخستین قدم برای تصحیح نسخه‌های خطی و متن‌های قدیمی بوده است.
۵. نکته دیگری که در اسناد باید بدان توجه کرد - گرچه چندان ارتباطی با موضوع بحث ندارد ولی به ضرورت بدان اشاره می‌شود - آرم دولت ایران در سربرگ‌هاست؛ زیرا نشان دولت ایران در مکاتبات با کاغذهای رسمی "شیر و خورشید" بوده؛ اما تفاوتی میان این نشان رسمی در سربرگ‌های داخلی و خارجی مشاهده می‌شود؛ در سربرگ‌های داخلی مانند وزارت مالیه شیر ایستاده، خورشید بر پشت و شمشیر در دست است؛ در حالی که در سربرگ‌های وزارت خارجه شیر نشسته و خورشید بر پشت ولی از شمشیر خبری نیست؛ در اولی شیر در حالت پاسپانی و نگاهبانی از مرزوبوم و مذهب و حمیت ایرانی است؛ اما در دومی شیر در حال دفاع، این بار از در صلح و داد وارد شده و این رسمی بود که همیشه مرسوم بوده و ظاهراً به خاطر آن بوده است که ظن تجاوز در میان نیست. ■

مآخذ

۱. افشار، ابرج. کتابشناسی فردوسی. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷.
۲. نوشاهی، سیدعارف. فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش. اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵. ج ۱.
۳. شاهنامه فردوسی. چاپ سنگی، ۱۳۲۶-۱۳۲۲ق (مقدمه و صفحات پایانی مباحث و مجلدات).



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی